



بررسی و آسیب شناسی وضعیت موجود هویت و فرآیند هویت یابی کودکان ایران اسلامی در آموزش و پرورش پیش دبستانی

فرهاد نبی

کارشناس آموزش حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش معاونت آموزش ابتدایی

دانشجوی دکتری رشته مدیریت دولتی

Farhadnabi43@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی آسیب شناسی وضعیت موجود پیش دبستانی و فرآیند هویت یابی پرداخته و با استناد به سخنانی از ائمه و صاحب نظران داخلی و خارجی فرآیند هویت یابی کودکان مورد نقد قرار گرفته است و اشاره شده که دوره ی پیش دبستانی مهمترین مرحله شکل گیری شخصیت فرد است و به تعبیری فندانسیون شخصیت می باشد که اگر خوب شناژبندی نشود، در آینده دچار مشکل می گردد. اگر در دوران کودکی حس کنجکاوی را سرکوب نکنیم و با شیوه منطقی با آن ها برخورد کنیم، در آینده بزرگانی چون سعدی ، حافظ، انیشتین و... خواهیم داشت لیکن اهمیت دوره پیش دبستانی به عنوان موثرترین دوره ی شکل گیری شخصیت ، مورد غفلت قرار گرفته و ناپیداترین جزء شخصیت هر فرد است. همچنین اشاره شده که هر فردی بر مبنای فطرت الهی متولد می شود و این والدین هستند که فرد را یهودی یا نصرانی می کنند. آموزش های غلط موجب شده تا شخصیت به عنوان یک کالا مورد خرید و فروش قرار گیرد و بازار ، تعیین کننده نوع ، کیفیت، قیمت و چگونگی شخصیت است. افراد با اطلاع از قیمت بازار، به فروش شخصیت خود اقدام می کنند. در آخر راهکارها و پیشنهاداتی به مسئولین و دست اندرکاران دوره پیش دبستانی جهت بهبود وضعیت دوره ی پیش دبستانی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: پیش دبستانی ، هویت ، هویت یابی.



مقدمه

مهمترین مرحله شکل گیری شخصیت انسان ها ، دوره ی پیش دبستانی است در واقع پایه و اساس شخصیت افراد در این دوره شکل می گیرد. به تعبیری می توان این دوره را فندانسیون شخصیت نامید. اگر این فندانسیون، خوب شناژ بندی نشود، همانند یک ساختمان ، در آینده متزلزل خواهد بود. این دوره می تواند مقدمه خوبی جهت آموزش مهارت های ساده به کودکان پیش دبستانی باشد. کودکان در این دوره ، از والدین خود الگو می گیرند و آن ها اولین معلمان او و به تعبیری اولین رهبر او هستند. این دوره مقدمه ای برای ورود به دنیایی بزرگتر است. کودکانی که وارد نظام آموزشی ما می شوند، داری طیف گسترده ای از تنوعات زبانی، زیستی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی هستند و در بدو ورود به پایه اول ابتدایی ، با شرایط یکسان مواجه نیستند. یکی از راه های برخورد با چنین وضعیتی، استفاده از فرصت پیش دبستانی است تا برخی از جنبه های رشد، برای ورود به نظام رسمی آموزش فراهم گردد. «دوره پیش دبستانی سپر و محافظ قابل اطمینانی است که می توان آن را مقابل نابرابری های آموزشی موجود بین کودکان به کار گرفت؛ چه نابرابری های ناخواسته همانند متولدشدن در خانواده ای که سطح اجتماعی-اقتصادی نامناسبی دارد و یا متولدشدن در خانواده ای که فاکتورهای خطرپذیری بالایی دارد مثل اعتیاد والدین، تک والد بودن و بی کاری والدین و چه نابرابری ها و فقرهای تجمعی حاصل شده در طول چهار سال اولیه زندگی». (طلایی ، ۱۳۹۴) در این مقاله به بررسی وضع موجود و آسیب های هویت یابی دوره پیش دبستانی و فرآیند آن می پردازیم و در نهایت راهکارهایی ارائه می شود.

هویت و فرآیند هویت یابی

فرآیند هویت یابی از بدو تولد آغاز می گردد و در دوران نوجوانی به اوج خود می رسد (روترام^۱ و بورس^۲ و همکاران ۲۰۰۱ به نقل از راهنما) . اگر چه اوج فرآیند هویت یابی در دوران نوجوانی است اما بسترهای آن در دوره ی ابتدایی شکل می گیرد لذا توجه به این دوره بسیار مهم و ضروری است. فرآیند هویت یابی دوره سختی است و نیاز به فعالیت، جستجو و زحمت دارد. هویت چیزی نیست که والدین، جامعه و دیگران به کودک دیکته کنند؛ یا فقط با دنباله روی از دیگران ایجاد شود. ارزش و جایگاه بحث «هویت» بی نیاز از ارائه دلیل است و لیکن به ذکر مواردی اکتفا می شود. بر اساس قاعده عقلی در تعریف «الاشیاء باضدادها» یعنی «هر چیزی با ضدش شناخته می شود». کافی است توجهی به آثار، پیامدها و نتیجه ناگوار «فقدان هویت» داشته باشیم و از عمق رنج و دردی که جوانان بی هویت احساس می کنند، آگاه شویم، همچنین بخش قابل توجهی از افسردگی ها، احساس پوچی و درون تهی شدن ها و روزمرگی ها نتیجه بی هویتی است (عمادی و نظریور، ۱۳۸۷). گلاسرمعتقد است که هویت ، از نیاز به احساس جدا و متمایز بودن از دیگران شکل می گیرد، به نظر او این نیاز تنها نیاز روانی و اساسی انسان که همه ی مردم در همه ی فرهنگ ها از بدو تولد تا مرگ دارا هستند، می باشد . (ویلیام گلاس، ۱۹۸۲ به نقل از دانشور ۱۳۷۹)

برزونسکی هویت را "خود ساخته شده" می نامد. هویت از دیدگاه وی همانند چارچوب شخصی محسوب می شود که به منزله منبعی برای تفسیر تجارب، مورد استفاده قرار می گیرد. برزونسکی برای مطالعه شباهت یا تفاوت افراد در شکل دهی فرآیند هویت، سه سبک هویتی را شناسایی کرده است؛ این سبک ها عبارتند از؛ سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری و سبک هویت

¹ - Rotram

² - Bourse



مغشوش - اجتنابی . افراد با سبک هویت اطلاعاتی، آگاهانه و به طور فعال به جستجوی اطلاعات و ارزیابی آن ها می پردازند و سپس اطلاعات مناسب خود را مورد استفاده قرار می دهند. (برزونسکی، ۱۹۹۹) افرادی که از سبک هویت هنجاری استفاده می کنند، در مواجهه با موضوعات هویت و تصمیم گیری ها، با انتظارات افراد مهم و گروه های مرجع، همنوایی می کنند. آن ها دارای اهداف شغلی و آموزشی مشخصی هستند و از بیرون کنترل می شوند و انعطاف ناپذیرند. و افراد با سبک هویت سردرگم-اجتنابی، در همه موارد تعلل و درنگ زیادی دارند و تا حد ممکن سعی در اجتناب از پرداختن به موضوعات هویت و تصمیم گیری دارند، اگر این تعلل طولانی مدت باشد تقاضای موقعیتی و محیطی باعث واکنش رفتاری در آن ها می شود. (Berzonsky- Sullivan, 1992)

هویت یابی مسیر پریپیچ و خمی است که در آن نوجوان به سمت پذیرش ارزش های والدین و جامعه پیش می رود و در این میان معمولا با بهره مندی از هوش معنوی "که از نظر زورهای و مارشال هوشی است که با نشان دادن مناسب ترین راه به افراد، به زندگی شان معنا و مفهوم عمیق تری می بخشد" می توان از یک سو با ناشناخته ها و وقایع پیش بینی نشدنی مواجه شد و از سوی دیگر با پاسخ به سوالات فلسفی در باره زندگی و درک واقعی آن ها ، به جریان بعضا دشوار زندگی، معنا و مفهومی عمیق بخشید و آن را ارزشمند کرد (زورهای و مارشال ، ۲۰۱۳ به نقل از عابدینی و مشبکی ، ۱۳۹۱).

هویت ؛ فرایندی است که در آن امر جمعی و فردی در یک قالب جای می گیرند و تضادی است درونی و برونی که حاصل شناسایی است از سوی مجموعه مفاهیم فرهنگی مانند اخلاق محدود می شود . هویت دارای خاستگاهی است که از بیرون تحمیل می شود و ما آن را بی آنکه فرصت انتخاب داشته باشیم تصاحب می کنیم . اما هویت حقیقی نوعی آفرینش است که فرهنگ خود را استعلا بخشیم .

رابطه همیشگی ما با جهان و دیگران که رابطه ای متامل و با واسطه است ، هویت ما را تشکیل می دهد ما با کسب شناخت هایی که از منابع گوناگون بدست می آید وجود خود را غنا می بخشیم و این شناخت ها هویت ما را نیز می سازد . هویت بدون خود نیز ناموجه است . هویت اجتماعی ما حاصل فرایندهای درونی خود ما نیز هست و در کنار ذهن که منبع فرهنگ است به هویت ما شکل می دهند . ذهن و خویشتن دو گردایی هستند که در هویت جاری هستند و آنها از دیدگاه جنکینز^۳ بایستی در چارچوب الگوی درونی - برونی فهم کرد. (جنکینز ، ۱۳۸۱ ص ۶۵)

ملاصدرا کمال نفس هر انسان را در وصول به تجرد عقلی او میداند که پس از گذشتن از مراحل سه گانه نفس (نباتی، حیوانی، انسانی) حاصل میگردد. تصویری که ملاصدرا از هویت انسان و فرایند شکلگیری آن ارائه میکند، بر بعد باطنی و آخرتی انسان بسیار تأکید دارد. وی معتقد است ارائه هرگونه شناخت از هویت انسانی بدون توجه به این بعد از انسان که مربوط به آخرت است ناقص و ناتمام خواهد بود. (بیدهدی و نوروزی ، ۱۳۹۰)

ملاصدرا با استناد به قرآن به این نتیجه می رسد که انسان یک موجود پایان یافته نیست و در قالب نوع خود محدود و محصور نمی شود. انسان بر خلاف موجودات دیگر، شیء معین نیست ، به تعبیر دیگر حقیقت انسان، فعلیت او نیست بلکه امکان های بی نهایتی که در پیش رو دارد، هویت او را تشکیل می دهد. (همان)

³ - Jenkins



فضای مفهومی هویت، پیوسته در تردد بین بنیادهای روانشناسی و جامعه شناسی قرار دارد. اریکسون هویت را به صورت یک احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود تعریف می کند. یعنی علیرغم تغییر رفتارها، افکار و احساسات، برداشت یک فرد از خود همواره مشابه است. (بیابانگرد، ۱۳۷۶)

برگر و لوکمان، هویت را دربر گیرنده همه نقش ها و گرایش های فرد می دانند که در طول مدت اجتماعی شدن، درونی شده اند. به عبارت دیگر هویت از نظر آن ها از طریق فرآیند اجتماعی شدن شکل می گیرد، باقی می ماند، تغییر می کند یا حتی در نتیجه روابط اجتماعی، از نو به وجود می آید. (برگر و لوکمان، ۱۳۹۴، ص ۲۳۶)

اهمیت دوره ی پیش دبستان

شک نیست که دوره پیش دبستان مهمترین دوره برای شکل گیری شخصیت افراد است و همان طور که زمینه آموزش های مدرسه ای در این دوره آغاز می شود، زمینه شکل گیری شخصیت نیز در این دوره آغاز می شود. بچه ها بر اساس آنچه که می بینند، یاد می گیرند و عمل می کنند، نه بر اساس آنچه که ما به آن ها می گوئیم. با گفتن اینکه بچه ها، خوب باشید، دروغ نگوئید، کار نیک انجام دهید... آن ها خوب نمی شوند، بلکه بر اساس آنچه که در خانواده از والدین، در مدرسه از معلمان و دانش آموزان (بیشتر از معلمان)، در جامعه از دیگر انسان ها و در سازمان ها از مدیران و همکاران می بینند، یاد می گیرند و پیروی می کنند. نکته درخور تامل این است که قبل از هفت سالگی، دوره رفتارسازی است، یعنی کودکان در این مرحله رشد، رفتار خود را از بزرگ ترها الگوبرداری می کنند. اصطلاح تقلید بیشترین ظهور و فراوانی اش در این مرحله از رشد محقق می شود؛ همانطور که طوطی، الفاظ را دریافت می کند و پس از مدتی ممارست، تکرار خواهد کرد، کودکان نیز الفاظ و رفتار را بدون توجه به عمق مفاهیم آن در قالب تقلید از بزرگ ترها در محیط پیرامون خود به سهولت فرا می گیرند. جالب این جاست که برای آن ها تقلید از بزرگ ترها بسیار شیرین و لذت بخش است. وقتی دختر پیش دبستانی مشاهده می کند که مادرش به نماز ایستاده، چادر می پوشد و به نماز می ایستد. مطلب دیگر اینکه، از نظر اعتقادی، صرف نظر از اینکه برای قبل از تولد دستورات مشخصی جهت تربیت فرزند وجود دارد، لیکن آنچه در این مقاله کانون توجه است، مراحل رشد و هویت یابی برای دوران کودکی است.

از پیامبر اسلام ص نقل شده است که: *كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَ إِنَّمَا أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ يَنْصَرَانِهِ وَ يَمَجَّسَانِهِ (حلی و اسدی، ۱۴۰۷ق)* یعنی: «هر نوزادی بر اساس فطرت توحیدی متولد می شود، این پدر و مادر اویند که وی را یهودی، یا مسیحی و یا مجوسی می نمایند» حضرت علی فرمودند: *" العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر "* در کودکی آموزه ها ماندگار می شود.

به عقیده پژوهشگران، اگر دوران کودکی حس کنجکاوای کودکان را سرکوب نکنیم و با شیوه متناسب و منطقی نیازهای آن ها را پاسخگو باشیم، قابلیت های یادگیری و رشد همه جانبه آن ها را به خوبی می توانیم بستر سازی کنیم به گونه ای که در سومین مرحله از رشد (۱۵ سالگی تا ۲۰ سالگی) بزرگانی چون حافظ، سعدی، انتیشتین و.. خواهیم داشت. بی تردید اولین جایگاه حائز اهمیت در شکل گیری انسان و تربیت نسل ها، خانواده است. و متعاقب آن نوبت به دستگاه های رسمی و حاکمیتی متولی تعلیم و تربیت خواهد بود.



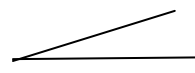
بارونز و همکاران در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که در پیش دبستانی ها می توان کودکان تیز هوش را شناسایی کرد و آن ها را برای آینده تربیت کرد. همچنین کودکانی که دوره پیش دبستانی را سپری می کنند شرایط بهتری برای ادامه تحصیل دارند نسبت به کودکانی که از این دوره محروم بوده اند. (Burns , 2016)

ریچی و همکاران در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که در دوره پیش دبستانی می توان کودکانی که در معرض خطر مشکلات خواندن هستند را شناسایی کرد و قبل از ورود به دوره ابتدایی ، مشکل آن ها را برطرف کرد. این تحقیق ، غربالگری جهانی برای خواندن بود که ۲۳۰ کودک را از کشورهای مختلف مورد بررسی قرار دادند. (Ritchey , 2010)

پیامبراکرم ص فرمودند: "وای بر فرزندان در آخر زمان از دست والدینشان" ، این گفته، مسئولیت والدین را نشان می دهد زیرا والدین اولین نظام آموزش و پرورش طفل می باشند. و از آنجا که دوران طفولیت از تولد تا ۷ سالگی، بیشترین تاثیر پذیری برای تکوین شخصیت انسان می باشد و نزدیکترین عوامل تاثیر گذار در امر تربیت ، والدین هستند؛ چنانچه به وظایف الهی خود نسبت به تربیت اولاد وقوف کامل داشته باشند، بیشترین خدمت را به او در جهت رشد خواهند داشت . بیشترین خدمت والدین وقتی محقق می شود که تربیت وفق فطرت فرد انجام شود. از آنجا که متاسفانه اکثریت قریب به اتفاق والدین، از دانش لازم و مهارت های کافی برای تربیت فرزند برخوردار نیستند، بدین لحاظ در امر تربیت فطری فرزندان خود توفیق چندانی ندارند. از این رو فطرت پاک فرزند، با کمال تاسف تحت تاثیر سلاقی و علایق والدین و کردار و رفتار آن ها قرار می گیرد، و ناخودآگاه شکل گیری شخصیت او با شخصیت فطریش فاصله خواهد گرفت. هر ساختمانی هر اندازه بزرگ باشد، لاجرم تکیه اش بر شالوده آن است و زیربنا و فندانسیون هر ساختمان ، بار عظمت ساختمان را به دوش می کشد لیکن ناپیداترین جزء ساختمان است. این چنین است که ناپیداترین عاملی که شخصیت فرد بر آن استوار می باشد، تربیت دوران طفولیت اوست که البته ناپیداترین جزء شخصیت هر فرد است.

در عصر ما دستگاه های متولی تعلیم و تربیت چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی معمولاً سهمی از تربیت را در دوران کودکی به عهده می گیرند و در این امر با والدین مشارکت می کنند. البته بی تردید همانطور که اکثریت قریب به اتفاق والدین از رموز و فنون تعلیم و تربیت کودک بی خبرند، دستگاه های رسمی نیز (دولتی و غیردولتی) که در امر تربیت کودک با والدین مشارکت می کنند نیز از رمز و راز های تربیت دوران کودکی بی اطلاع هستند و مصیبتی که به کودک عاید می شود از دو منبع منزل و بیرون منزل ، وجود منزله فرزند به شکل نامطلوبی بارگذاری می شود و بعدها بر این پایه ، شخصیت او شکل خواهد گرفت. شایان توجه است که در ۷ سال اولیه کودک ، که دوره ی رفتار سازی اوست و زمان الگو پذیری اش می باشد، رفتار او با مشاهده الگوهای نه چندان مطلوب شکل گرفته است که در دوره ی ۷ ساله ی بعد، آنچه فرا گرفته ، برای او به صورت عادت درمی آید. از آنجا که گفته اند "خشت اول چون نهد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج" ، با همان زاویه کوچکی که در طفولیت و شکل گیری رفتار کودکان به وجود می آید، در مراحل بعدی رشد، این فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب بیشتر می شود.

وضع موجود



وضع مطلوب



این غفلت، وضع موجود را بوجود آورده است. اگر فرزندان ما با والدین سرسازش ندارند و شکاف بین نسل ها به وضوح مشاهده می شود، راه دوری نرویم، این ثمره ی فاصله ای است که در طفولیت در فطرت آن ها ایجاد کرده ایم و آن ها را از فطرت الهی شان دور ساخته ایم.

اینک میخوایم مثلث سه ضلعی رشد را مورد بررسی قرار دهیم که ضلع اول دوره پیش دبستانی است و دوره رفتارسازی می باشد، ضلع دوم از ۷ تا ۱۴ سالگی است که در این مرحله عادات شکل می گیرد و رفتار به عادت تبدیل می شود. و ضلع سوم یا قاعده مثلث، از ۱۴ سالگی تا ۲۱ سالگی است و زمانی است که اعتقادات فرد نضج پیدا می کند و شکل می گیرد که البته دوران فراگیری چرایی و فلسفه اعتقادات است. اگر آموزش های درستی به افراد ارائه نشود، اخلاق کاسب کارانه پیدا می کنند و مسئله اصلی آن ها در نیازمندی های حقیر اولیه شان خلاصه می شود و در گذران امورات زندگی شان، مسئله اصلی، میز، نام و نان می شود زیرا جامعه به آن ها آموخت که شخصیت یک کالا است؛ یک کالای قابل عرضه به بازار، کالایی که تابع عرضه و تقاضای بازار است. بازار تعیین می کند که امروز متقاضی چه نوع شخصیتی، چه کیفیتی، چه قیمتی و با چه شرایطی است. شخصیت قابل آموختن نیست بلکه قابل یادگیری است. ما نمی توانیم به بچه ها بیاموزیم که دارای چه شخصیتی باش، بلکه او خود می آموزد که دارای چه شخصیتی باشد.

فرآیند هویت یابی

واژه هویت یا Identity ریشه در زبان لاتین دارد و از Identitas که از Idem ریشه می گیرد، به معنای «مشابه و یکسان». این واژه در یک معنا به ویژگی یکتایی و فردیت، یعنی تفاوت های اساسی که یک شخص را از همه متمایز می کند، اشاره دارد و در معنای دیگر به ویژگی همسانی که در آن «خودش» کسان دیگر به واسطه هویت اشخاص می توانند به هم پیوسته باشند و یا از طریق گروه یا مقولات براساس صور مشترک برجسته ای، نظیر ویژگی های قومی و... به دیگران ببیوندند، دلالت دارد (بایرون، ۱۹۶۹) در فرهنگ معین آمده است: هویت یعنی آنچه که موجب شناسایی شخص باشد. دهخدا نیز هویت را عبارت از تشخیص دانسته، می گوید همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است.

در میان روان شناسان، اریکسون بر بحران هویت و آشفتگی هویت (Identity Confusion) تاکید می کند. دکتر شرفی (۱۳۸۱) در زمینه بحران هویت می گوید: جدی ترین بحرانی که یک شخص با آن مواجه می شود در خلال شکل گیری هویت رخ می دهد. این بحران، بدان جهت جدی است که موفقیت در رویارویی با آن پیامدی بسیاری دارد شخصی که فاقد یک هویت متشکل است در خلال زندگی بزرگسالی با مشکلات متعددی مواجه خواهد شد اریکسون خاطر نشان می سازد که برای هر فردی امکان دارد بحران هویت روی دهد و منحصر به دوره نوجوانی یا جوانی نیست، از نگاهی دیگر بحران هویت این گونه تعریف شده است: "عدم موفقیت یک نوجوان در شکل دادن به هویت فردی خود، اعم از اینکه به علت تجارب نامطلوب کودکی و یا شرایط نامساعد فعلی باشد، بحرانی ایجاد می کند که بحران هویت یا گم گشتگی نام دارد." (شرفی ۱۳۸۱ ص ۱۸)

از دیدگاه اریکسون جریان رشد از طریق مراحل مختلف به وسیله فرایندی کنترل میشود که او آن را "اصل ایی ژنتیک رشد" (Epigenetic Principle of Maturation) می نامد. منظور از این اصل آن است که گامها یا مراحل رشد به وسیله عوامل ارثی یا ژنتیک تعیین می شوند. اریکسون همچنین بر نقش نیروهای محیطی یا اجتماعی تاکید می کند. این نیروها بر شیوه هایی که بر اساس آنها این مراحل معین



زیست شناختی تحقق می پذیرند ، اثر می گذارند . پس به طور کلی رشد تحت تاثیر دو عامل فطری و اکتسابی یعنی متغیر های فردی و موقعیتی قرار دارد . (همان)

هویت فرآیندی است که در طی آن فرد به شناسایی خویشتن و دیگران می پردازد و در این تضاد درونی- برونی شبکه ای از عوامل نقش دارند. در این فرآیند فرد به موجودی تبدیل می شود که خود را مشابه و یا متمایز از دیگران می شمارد و چنان می توان گفت که به روندی از بودن و شدن دست یافته است. دغدغه هویت ، فرآیندهای شناسایی است. ادغام عاملهای درونی و برونی شناسایی که در مسیر شدن فرد روی می دهد ، دغدغه هایی ایجاد می کند که بایستی به آن توجه کرد. دغدغه هویت ، ثابت نیست ، بلکه فرد همیشه در حال تغییر و شدن است . آنچه دغدغه بشمار می رود فرآیندهای شناسایی است که بایستی از خط مشی های مغرضانه جلوگیری کرد. سامان یافتن این فرآیندها و جلوگیری از انحرافات که در مسیر شدن روی می دهد ، نقطه بحرانی است که در سنین نوجوانی و جوانی گاهی به بحران هویت یاد می شود(مفیدی، ۱۳۹۶)

اجمالاً برای تعریف هویت می توان چنین گفت : مگر آدمی برای پرسش های زیر پاسخ های مطمئن و متقاعدکننده ای بیابد در حقیقت هویت خویش را باز یافته است:

- بدانند جایگاه، منزلت و مرتبت او دقیقاً چیست؟ و چه تعریفی دارد؟
 - آگاه باشد که چه پیوندها، رشته ها و ارتباط هایی او را به خود و جهان خارج از خود متعلق می سازد؟
 - درک کند که چه نقش ها، وظایف و مسؤولیت هایی در قبال خود و دیگران برعهده دارد؟
 - شناخت واقع بینانه ای از توقعاتش نسبت به خود و دیگران به دست آورد.
 - در نهایت، نسبت خود را به گذشته، حال و آینده به درستی بداند.
- اریکسون معتقد است : فردی که قادر به یافتن ارزش های مثبت پایدار در فرهنگ، مذهب یا ایدئولوژی خود نیست، ایده ال هایش به هم می ریزد . چنین فردی که از درهم ریختگی هویت رنج می برد، نه می تواند ارزش های گذشته خود را ارزیابی کند و نه صاحب ارزش هایی می شود که به کمک آن ها بتواند آزادانه برای آینده طرح ریزی نماید. (Erikson, 1968) در زیر به برخی از عوامل آسیب زای هویت یابی اشاره می کنیم:
- اریکسون معتقد است که هویت از دو راه ممکن است منحرف شود . ممکن است پیش از آنکه رشد کند تثبیت شود (یعنی پیش از موعد شکل بگیرد) و یا اینکه بدون هیچ محدودیتی گسترش یابد. بخشی از عوامل هویت یابی و کسب هویت، متأثر از مسائل محیطی است و بخشی هم به مسائل روانشناختی مربوط می شود. (همان) یکی از عوامل، اختلاف ، دعواها و بگو مگوی بین والدین است . تکرار این مسئله موجب افسردگی کودکان می شود و محیط خانواده را به جای اینکه آرام بخش کند، به جهنم تبدیل می کند. و کودک دوست ندارد در خانه باشد و بارها شاهد آن بوده ایم که کودکانی آرزو می کنند بچه خانواده دیگری باشند. (مثلاً می گوید کاش من بچه خاله اینا بودم).

یکی دیگر از عوامل ، کودکان تک فرزند است؛ در قدیم که تعداد فرزندان بیشتر بود، فرد از طریق بازی با خواهر و برادرش می توانست فرایند هویت یابی را طی کند، اما امروز خانواده ها دارای یک یا دو فرزند هستند و پدر و مادرها مشغول کار خود هستند و کمتر وقت پیدا می کنند تا با فرزندان خود بازی کنند. همچنین افزایش سن ازدواج نیز مدجب فاصله زیاد سن پدر و مادر با فرزندان شده و حوصله وقت گذاشتن برای بچه خود را ندارند و ترجیح می دهند پول بیشتری را برای فرزندشان هزینه کنند تا اینکه وقت بیشتری را صرف کنند. عامل دیگر، عدم استقلال کودکان است، یعنی کودکان به شکل خودکفا و مستقل آموزش نمی بینند و پرورش درستی پیدا نمی کنند.



عامل دیگر، فضای مجازی است که از کوچک تا بزرگ را مشغول خود کرده است و کودکان از سنین پایین مشغول بازی با تبلت و موبایل هستند و این باعث کاهش ارتباط بین افراد و همچنین کاهش سن بلوغ جنسی شده است. و تبعات بعدی را به دنبال دارد. یکی دیگر از مشکلات، منفی نگری است. متأسفانه منفی نگری و بدبینی در جامعه فراگیر شده مثلاً ۵۰ سال پیش هم مشکلات وجود داشته اما از آن ها منفی یاد نمی کردند و سعی میکردند آن را کنترل کنند. وضعیت اقتصادی اخیر نیز بر این مشکلات دامن زده است. البته باید به این عوامل از همه جوانب نگاه کرد، آموزش و پرورش، تنها نهاد مسئول این امر نیست و همه در شکل گیری مسائل مربوط به افراد جامعه سهیم هستند باید تمام سازمان های ذیصلاح به ویژه سازمان بهزیستی، ورزش و جوانان، وزارت ارشاد، وزارت بهداشت و ... در حوزه های کار، آموزش، تفریح، ورزش و ... از تمام جوانب نگاه کنند. خیلی از موضوعات از سوی مسئولین بیان می شود اما اجرایی نمی شوند لذا باید آسیب شناسی کنند و علت برنامه هایی که به نتیجه نمی رسند را بیابند زیرا اجرایی نشدن برنامه ها موجب سردرگمی هم شده است.

راه کارهایی برای رشد هویت یابی

تشکیل هویت، به طور عمده یک فرآیند ناخودآگاه است با این وجود، جوانان و نوجوانان اغلب از ناتوانی خود برای اتخاذ الزامات دراز مدت رنج می برند. آنها حس می کنند که باید راجع به موضوعات، در مدتی بسیار کوتاه تصمیم بگیرند و هر تصمیم از حق گزینشهای آینده آنان خواهد کاست. (کرین، ۱۳۷۹ ص ۱۷۳).

راهکارهای زیر برای هویت یابی پیشنهاد می شود:

- به دست آوردن شناختی درست از علائق و توانایی های خود: دانستن اینکه علایق ما چیست و در چه زمینه ای توانایی داریم، موجب بروز استعداد و اعتماد به نفس می شود.
- هدفمند بودن: نکته مهم دیگر در زندگی جوان، داشتن هدف است. باید جوان را یاری کرد تا برای رشد و پیشرفت، هدف هایی منطقی و قابل قبول را در نظر بگیرد و به آن ها ایمان داشته باشد. جوانان در صورتی که از هدفی مشخص در زندگی برخوردار باشند، نیروهایشان را در مسیری سازنده که به حصول نتیجه مثبت منجر می شود، به کار می گیرند.
- هدف های والا و برتر در زندگی هر انسان، نشانه ای از اراده پرشور و همت بلند اوست. جوانان با داشتن هدف، احساس بطالت و بیهودگی نخواهند کرد و این مسئله آنان را در داشتن هویتی مستقل یاری می کند.
- نقش خانواده: خانواده از دیگر عواملی است که در شکل گیری هویت کودکان نقشی مهم دارد. رابطه عاطفی خانواده با کودک، او را در داشتن تصویری مثبت از خود یاری می کند. این محبت و تبادل عاطفی باید در سنین بعد هم ادامه یابد و فقط مختص کودکی نیست. محبت خانواده به کودک، در او احساس امنیت، اطمینان و اعتماد پدید می آورد و روح سرشار از تکاپو و تمنای کودک را سیراب می سازد که نتیجه طبیعی آن احساس تعلق به خانواده است. علاوه بر این، روحیه خوش بینی و مثبت نگری را پرورش می دهد. این مسئله زمینه را برای بروز خلاقیت، نوآوری و شکوفایی استعدادهای درونی او فراهم خواهد کرد.
- خانواده، بنیان زندگی اجتماعی و اولین کانون تربیت فرزندان است. نهاد خانواده اساسی ترین و اولین محیط اجتماعی شدن است. کودک از بدو تولد در دامن خانواده نشو و نما می یابد و سپس در کنار دیگر نهادهای اجتماعی شدن ارتباط خویش را با آن حفظ می کند. گرچه تاثیر خانواده امروزه به سبب جابه جایی نقش ها کم شده است؛ اما هیچگاه این تاثیر از بین نرفته است. از دیدگاه آنتونی گیدنز، "در جامعه امروزی اجتماعی شدن پیش از همه در یک زمینه کوچک خانوادگی رخ می دهد. بیشتر کودکان انگلیسی نخستین سالهای زندگی خود را در درون یک واحد خانوادگی شامل مادر، پدر و شاید یک یا دو فرزند دیگر سپری می کنند برعکس در بسیاری از فرهنگ ها دیگر، عمه ها و خاله ها، عمو ها یا دایها و نوه ها غالباً جز یک خانواده واحد بوده و مراقب از کودکان اطفال بسیار خردسال را به عهده دارند" (گیدنز، ۱۳۷۳ ص ۸۵).



از نظر ویل دورانت، نخستین وحدت اجتماعی که این موجود بدان علاقه پیدا می کند، خانواده است و رشد اخلاق او با محبت و وفاداری به وحدت بزرگترها توسعه می یابد تا آن که وطن پهناورش نیز در نظر او تنگ می نماید. (کی نیا ۱۳۷۳ ص ۶۰۲)

خانواده، هم محل کار و هم کانون عبادت، هم دیوان قضا و هم مرکز تعلیم و تربیت برای زندگی متعالی، هم خود نوعی، شیوه زندگی است. زندگی پر حلاوت و برخوردار از تفاهم و تعاون متعالی محض که تنها قانون حاکم بر آن، قانون اخلاقی و روانی و محبت و فداکاری است (همان)

از دیدگاه کوهن، تجارب والدین بر توفیق بچه ها موثر است حتی با کمال تعجب مشاهده می کنند که تجارب آنها ممکن است مانع توفیق بچه ها شود. (سختاوت، ۱۳۷۶ ص ۸۰) نوع ارتباط نوجوان با والدین در چگونگی شکل گیری هویت آنان موثر است. پژوهشهای «مارکستروم آدامز» و «واترمن» و «کوپر» مؤید این مطلب است که نوجوانانی که در حالت پراکنندگی هویت هستند غالباً کسانی اند که از جانب والدین خود به فراموشی سپرده شده و یا طرد شده اند. وابستگی شدید نوجوان به والدین و فرمانبری مداوم از آنان، تسلیم طلبی مقابل آنها را به همراه خواهد آورد.

- احترام گذاشتن به کودک: احترام فقط مختص بزرگ ترها نیست، کودکان باید احساس کنند که در خانواده دارای شأن و موقعیت هستند. یکی از راه های ایجاد این احساس در کودکان، مشورت کردن با آن ها و دادن مسئولیت به آن هاست.

پیامبر اسلام (ص) به این امر مهم بسیار توجه می فرمودند و در موارد متعدد، جوانان را در کارهای اجرایی و یا تصمیم گیری دخالت می دادند. مشورت با جوانان به نوعی موجب ورزیدگی نیروی عقلانی آنان می شود و احساس مقبولیت را در وجودشان، دوجندان می کند. مشورت با جوانان می تواند باب تفاهم میان آنان و بزرگ ترها را بگشاید.

- مثبت اندیش بودن: کودک در موقعیت تلقین پذیری قرار دارد و نحوه قضاوت و ارزیابی و مواجهه دیگران با وی، از اهمیت خاصی برخوردار است. به همین منظور ضرورت دارد که برخورد اطرافیان با او همراه با دقت و هوشمندی باشد. یعنی اطرافیان به گونه ای با کودک مواجه شوند که بیشتر ناظر به جنبه های مثبت و مفید او باشد.

- پشتکار: مهمترین عاملی که موجب موفقیت افرا می شود، پشتکار است و لازمه آن داشتن هدف و هویت است.

- محدود نکردن کودک تا ۷ سالگی: به فرمایش پیامبر اکرم (ص) کودک را بزرگ بشماریم و اجازه دهیم مطابق میل خود به تفریح و سرگرمی بپردازد در دوره های بعدی هم حتماً کودکانی اطاعت پذیر خواهیم داشت. و در جایی می فرمایند کودک تا ۷ سالگی وزیر است.

عوامل دیگری هم در فرایند هویت یابی دخیل هستند از جمله، حمایت اجتماعی. همانطور که دوستان ناباب فرد را به مسیر اشتباه می اندازند، محیط سالم نیز فرد را پویاتر می کند و اطرافیان خوب، علاوه بر خانواده، مربیان، معلمان، دوستان و اقوام نزدیک، موجب شکوفایی فرد می گردند. در کل، برای موفق شدن، باید هدف خوب و انگیزه ی کافی داشت. مسیر موفقیت افراد می تواند متفاوت باشد اما مهمترین موضوع، پیدا کردن هدف است و لزومی ندارد این اهداف برای هر کسی از قبل مشخص باشد یعنی افراد باید بر اساس شرایط موجود آن را کشف کنند و در این مسیر هم از هر کسی که بتواند به وی کمک کند، یاری بگیرند. افراد موفق می توانند به عنوان الگو و سرمشق قرار گیرند.

پیشنهادهای

مدیر کل محترم دفتر پیش دبستانی، مسئولین و دست اندکار آموزش پیش دبستانی، سیاستگذاران آموزش پیش دبستانی، نهادهای درگیر در حوزه آموزش پیش دبستانی، شورای برنامه ریزی و تالیف کتب پیش دبستانی، ارگان های ذی مدخل در آموزش پیش دبستانی، ... "پیش دبستانی" را دریابید. و از نکاتی که در مقاله به آن اشاره شد، غفلت نکنید؛ اگر می خواهید جامعه از سرازیری انحطاط و سقوط رهایی یابد، و شاهد نسلی متدین، فهیم، درستکار، باصلابت و... در آینده باشیم؛ تنها راه برون رفت از



معضلات فعلی، توجه به پیش دبستانی و آموزش و تربیت صحیح آن هاست. این آموزش ها باید در سه بعد صورت گیرد، و به صورت یک مثلثی است که در راس آن مربیان و در قاعده آن اولیا و نوآموزان هستند.



متأسفانه مربیان ما فاقد توانایی لازم برای آموزش های صحیح هستند. آن ها نوآموزان را برای آینده ای آموزش می دهند که محقق نخواهد شد و بسیار متفاوت از چیزی است که امروز با آن مواجه هستیم. قاعده بازی عوض شده است. دیگر آموزش ها و روش های گذشته، نمی تواند نوآموزان ما را برای آینده ای که در پیش داریم، آماده کند. ما نیازمند بازنگری در برنامه های آموزشی خود هستیم. باید آموزشهای پیش دبستانی ما به صورت رایگان ارائه شود و به عنوان یک دوره رسمی در آموزش های ما لحاظ شود. تا بتوانیم با آموزش های صحیح به اصلاح فرهنگ بپردازیم. این آموزش ها باید تا پایان دوره های رسمی آموزشی ادامه یابد و فقط مختص دوره ی پیش دبستانی نباشد. و چنانکه حضرت علی ع فرمودند، فرزندانمان را مطابق زمان خود تربیت کنید و از این رو رعایت اقتضائات زمان در آموزش و تربیت نوآموزان از ارکان تعلیم و تربیت است. والدین و متولیان تعلیم و تربیت راهی جز بیداری برای عبور از وضع موجود نخواهند داشت. صاحب خانه بیدار، به هر تقدیر برای مقابله با سارق، تدبیر خواهد کرد. هنگامی که ما از زیان و خسران خواب بیدار شدیم، در اول راه موفقیت قرار گرفته ایم. در این حالت است که می توانیم با استفاده از تفکر و تعقل، تدبیر کنیم، برنامه ریزی کنیم، راه یابی کنیم و وضع موجود را به سمت وضع مطلوب سوق دهیم.

Archive SID



منابع

- بایرون، گوتفریک، ۱۳۷۳، هویت یابی، ترجمه جردکانی، حسین، تهران، نشر سرنا
- برگر، پیتر، لوکمان، توماس، ۱۳۹۴، ساخت اجتماعی واقعیت: (رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت)، ترجمه فریبرز مجیدی، چاپ سوم تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۷۶، روانشناسی نوجوان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- بیدهندی، محمد و نوروزی، رضاعلی، تحلیلی بر فرآیند هویت یابی از دیدگاه ملاصدرا، خردنامه شماره ۶۳ بهار ۱۳۹۰
- جنکینز، ریچارد، ۱۳۸۰، هویت اجتماعی ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، نشر شیرازه
- حلی، جمال الدین و اسدی، احمد بن محمد، ۱۴۰۷ق، عده‌الداعی و نجاح الساعی، جلد یک، بیروت، ناشر، دارالکتب عربی سخاوت، جعفر (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور
- شرفی، محمد رضا، ۱۳۸۱، جوان و بحران هویت تهران، نشر سروش
- طلائی، ابراهیم و بزرگ حمیده، تبیین ضرورت و اهمیت تربیت اوان کودکی (پیش‌دبستان) بر اساس سنتز پژوهی تحقیقات معاصر، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال ۱۳۹۴، شماره ۱۲۲
- عمادی، سید جواد و نظریور، محمد تقی، بررسی راهکار دین در حل بحران هویت در دوران ۸۷/۱۲/۲۳ ماهنامه مهندسی فرهنگی. سال سوم ۱۳۸۷ - شماره ۲۷ و ۲۸،
- کرین، ویلیام بی، ۱۳۷۹، پیشگامان روان‌شناسی رشد، ترجمه دکتر فرید فدایی تهران، نشر اطلاعات
- کی نیا، جهدی، ۱۳۷۳، مبانی جرم‌شناسی، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۳، تجدد و شخص، ترجمه ناصر، تهران، نشر نی
- گلاسر، ویلیام، ۱۳۹۵، تئوری انتخاب (درآمدی بر روانشناسی امید)، ترجمه صاحبی، علی، تهران، نشر جاویدنو
- مفیدی، فرخنده، چرا آموزش چند فرهنگی در سال‌های اولیه‌ی کودکی اهمیت دارد؟، مجله رشد آموزش پیش‌دبستانی پاییز، ۱۳۹۶، شماره ۳۴، ص ۱۴ تا ۱۵

Berzonsky, M. D. (1999). Self-identity: Relationship between process and content.

Research in Personality, 28: 453-460.

Berzonsky, M. D., Sullivan, B. (1992). Identity style and well-being: Does commitment matter?

Identity: An international Journal of Theory and Research, 3: 131-142

Erikson, E.H. (1968), Identity, Youth and Crisis, New York, W.W. Norton and Company Inc.

Jeanne M. Burns/ F. Neil Mathews/ Aeneid Mason (2016) Essential Steps in Screening and Identifying Preschool Gifted Children. PENNSYLVANIA STATE UNIV on September 18, 2016

Kristen D. Ritchey, Rebecca Silverman, Christopher Schatschneider, Caroline Y. Walker, (2010), Identifying Children in Middle Childhood Who Are at Risk for Reading Problems, Published in final edited form as: School Psych Rev. 2010 Jun: 258-276